

پیشخوان تبیین ابعاد

آموزه‌های فکر امام

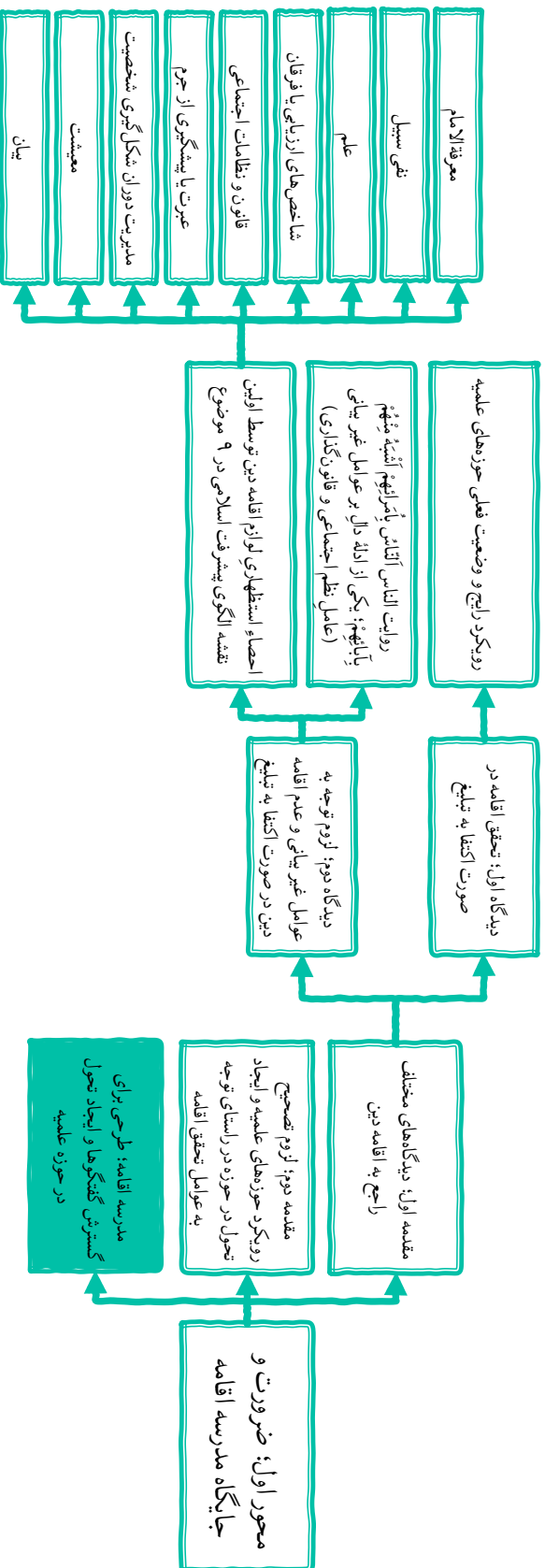
شورای راهبردی انکوی پیشرفت اسلامی
۸ خرداد ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

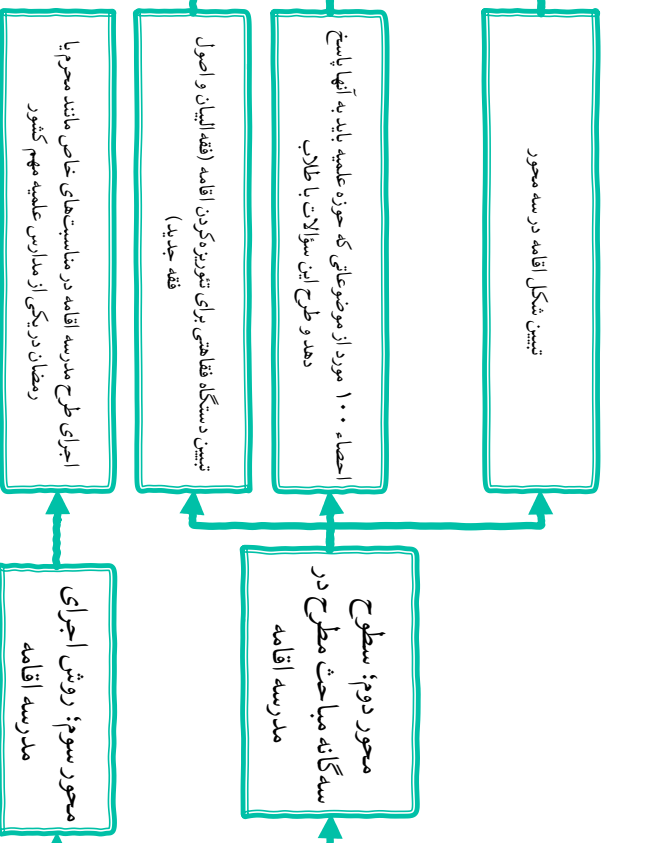
شناسنامه:

متن حاضر، پیاده‌شده نشست تبیین ویژگی‌های مدرسه اقامه است که توسط حجت‌الاسلام علی‌کشوری در تاریخ ۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۹۶ در جمع اساتید فقه و اصول حوزه علمیه خراسان رضوی در مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد ارائه شده است.

تبیین ویژگی‌های مدرسه اقامه



محورهای سه‌گانه مطرح در نشست



شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی / بهمن‌ماه ۱۳۹۶

فهرست اجمالی

۱. لزوم توجه حوزه به تکلیف اقامه دین در کنار تبلیغ دین به وسیله بیان..... ۱
۲. احصاء عوامل نه‌گانه موثر بر تربیت به عنوان زیرساخت‌های هدایت در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۵
۳. گفتگوها راجع به مدرسه اقامه؛ راه حل ورود حوزه به اقامه دین..... ۱۱
۴. متفاوت بودن روش کار مدرسه اقامه با مدارس موجود..... ۲۵



۱. لزوم توجه حوزه به تکلیف اقامهٔ دین در کنار تبلیغ دین به وسیلهٔ

بیان

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحیم. بنده عرایضم را با طرح یک سؤال محضر حضرات آقایان آغاز می‌کنم. آن سؤال عبارت از این است که آیا ما از نظر دینی مکلف به تبلیغ دین هستیم یا اقامهٔ دین؟ توضیح بیشتر اینکه بعضی از برادران در حوزه علمیه، تبلیغ را برابر با اقامه می‌دانند و تلقی این است که اگر ابلاغ اتفاق بیافتد، این ابلاغ منجر به اقامه دین خواهد شد.

در کنار این نظریه مشهور عمده‌تاً نانوشته، ادعای دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه اقامه دین، با اتکا به تبلیغ محض محقق نخواهد شد. اصطلاحاً عوامل غیر بیانی هم در اقامه دین تأثیر فراوانی دارند.



۱/۱. وابسته بودن اقامه

دین به مسائلی غیر از

تبیین

حالا در جلسات دیگری باید شرح عوامل غیر بیانی را مطرح کرد ولی مغز و روح دیدگاه دوم این است که ما غیر از تبیین و تبلیغ، مکلف به پردازش امور غیربیانی هم هستیم و اگر از مسائل غیربیانی و غیرکلامی غفلت کنیم، اقامه دین به چالش کشیده خواهد شد. یکی از کتاب‌هایی که کمک می‌کند تا تفاوت اقامه و تبلیغ در اذهان واضح شود، کتاب خوب شذرات‌المعارف مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی است. ایشان در یک تعبیری می‌فرمایند ما مکلف به تولید نمازگزار هستیم. وقتی گفته می‌شود ما باید اقامه صلاة کنیم، یعنی باید کاری کنیم که نمازگزار تولید شود. بر اساس مبنای ایشان ما مکلف به اقامه زکات و تولید زکات‌دهنده هستیم، ما مکلف هستیم به تولید حج‌گزار.^۱

۱/۲. لزوم تحول برنامه‌های

حوزه در راستای اتمام نسبت

خود با اقامه دین

حالا آیا تولید نمازگزار، اقامه دین و اقامه صلاة تنها به مسئله تبیین به عنوان علت تامه تکیه دارد یا مسائل دیگری نیز در این موضوع دخیل هستند؟ این، عنوان بحثی است که به نظر می‌آید در حد این جلسه فقط می‌توان آن را طرح کرد. کل گفتگوهایی که ما راجع به الگوی پیشرفت اسلامی در سراسر کشور مشغول سازماندهی هستیم، بر محوریت این سؤال پایه است.

۱. خلاصه قرآن مجید با اسلام انفرادی مناسبت ندارد زیرا که قرآن نمی‌فرماید: به تهایی نمازکن بلکه علاوه بر آن تولید نمازگزار و اقامه صلاة را در عهده مسلمان گذارده.

محمد علی شاه‌آبادی، شذرات‌المعارف، چاپ ۱۳۸۰، ص ۴



اگر شما قائل شدید به اینکه اقامه دین به وسیله تبیین به نحو تام اتفاق می‌افتد؛ مسیر فعلی حوزه علمیه، مسیر خوبی است و ما باید تحت عنوان پژوهش و دقت همین مسیر را جلو ببریم. اما اگر قائل شدیم به اینکه اقامه دین، بجز فهم تبلیغ به عوامل دیگری نیز نیاز دارد باید تحول را به سمتی هدایت کنیم که به تدریج این عوامل غیر بیانی در اذهان اساتید و طلاب فاضل تثبیت شوند. لذا برنامه‌ای، برنامه تحولی خواهد بود که نسبت خود را با اقامه تمام کند. این عرض اول بنده و پایه‌ای است که به نظر می‌رسد باید راجع به آن محضر شما گفتگو کنیم.

مبنتی بر این بحث نظریه مختار ما، نظریه دوم است؛ یعنی با ادله فراوان قائل شدیم به اینکه اکتفا به تبلیغ - به معنایی که همه‌مان می‌فهمیم - علت انزوای دین است. یکی از دلایلی که ما خیلی روی آن تأکید می‌کنیم و اصرار داریم که به آن توجه شود، در این روایتی که الآن محضرتان قرائت می‌کنم نهفته است. البته ما یک باب روایت و آیه در این زمینه آماده کرده‌ایم و من یکی از این روایات را محضر شما قرائت می‌کنم. حضرت می‌فرماید: «الْأَسُّ بِأُمَّرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ»^۲؛ مردم بیش از اینکه شبیه پدر و مادر خود باشند به امراء خود شباهت دارند.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: النَّاسُ بِأُمَّرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ.

حضرت امیر علیه السلام می‌فرمایند: مردم به امیرانشان شبیه‌تر هستند تا به پدرانشان.

مجلسی، محمد باقر؛ (۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی (۱۴۰۳ ق)، ح ۹۳، ص ۱۴.

۱/۴. نقش نظامات اجتماعی در تربیت؛ علت بیان روایت در شباهت افراد به امراء بیشتر از آباء

وقتی در این روایت شریف درایه می‌کنیم یک نکته در بدو امر بسیار عجیب به نظر می‌رسد. آن نکته عبارت از این است که پدران و خانواده از هنگام انعقاد نطفه تا هفت سال اول، دوم و سوم؛ مسئله معیشت و رزق و تربیت و علم و در یک جمله همه ابعاد وجودی انسان را تحت تأثیر تصمیمات خودشان قرار می‌دهند. لذا حضرت فرمودند وقتی به خواستگاری می‌روید بدانید که مادر فرزندان خود را انتخاب می‌کنید^۳ و مجموعه روایاتی که در این باب وجود دارد. حُب با وجود این سهم تأثیر عمده‌ای که پدران در شکل دادن به شخصیت انسان‌ها دارند روایت می‌فرماید: مردم به امراء و حکام خودشان شبیه‌تر هستند.

چرا حضرت این را به این میزان مهم دانسته‌اند؟ به چه علت امراء باید تأثیرگذارتر باشند؟ امراء چه فعلی را در دستور کار قرار می‌دهند که به وسیله آن فعل این منزلت را در تأثیرگذاری به دست می‌آورند؟ پیداست که کارکرد امراء، تغییر نظم اجتماعی است؛ یک حاکم قوانین و مقررات یک جامعه را تنظیم می‌کند و نظم اجتماعی را با دستورات و تدابیر خود بازتعریف می‌کند.

۳. عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ اخْتَارُوا لِنُظَرِكُمْ
 امام صادق عليه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کنند که ایشان فرمودند: برای فرزندان [مادر شایسته] انتخاب کنید.

کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ ق)، کافی، تهران: انتشارات دارالکتب الحدیث (۱۴۲۹ ق)، جلد ۵، ص ۳۳۲



بنابراین از مثل این روایت می‌توان استظهار کرد که غیر از بیان، مسئله نظم اجتماعی و قوانین در یک کشور، جزء عوامل مؤثر بر شکل دادن به شخصیت انسان و جزء عوامل مؤثر بر هدایت جامعه است.

الآن من در مقام احصاء عوامل مؤثر غیربیانی بر هدایت و انعکاس این عوامل در یکدیگر نیستم. فقط می‌خواهم بگویم می‌شود با دقت در روایات و آیات به نکاتی دست پیدا کرد که این نکات ما را رهنمون می‌کند که باید از فرصت انقلاب اسلامی استفاده کنیم و در کنار یک تبلیغ تام و اثرگذار، پردازش عوامل غیربیانی مثل تنظیم نظام قوانین و مقررات جامعه را در دستور کار خودمان قرار دهیم.

۲. احصاء عوامل نه‌گانه مؤثر بر تربیت به عنوان زیرساخت‌های هدایت در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

ما یک جدولی را تحت عنوان زیرساخت‌های هدایت منتشر کرده‌ایم؛ در جدول زیرساخت‌های هدایت، مجموعه عوامل مؤثر بر هدایت جامعه -اعم از بیان و غیربیان- را در ۹ دسته طبقه‌بندی کرده‌ایم که در دسترس است. همانطور که عرض کردم بیان یک مسئله است، مسئله نظام و قانون یک مسئله دیگر است.

۲/۱. تلقی از علم؛ یکی از مسئله تلقی از علم یک مسئله است؛ آیا در حال حاضر تقلی جامعه ما از علم این است که علم بیکنی^۴ است یا اینکه در آینده یک تعریف جدیدی از علم را مبتنی بر دین خواهد پذیرفت؟ علم چیست؟ چارچوب آن کجاست؟ این موضوع بر مسئله هدایت خیلی تأثیر دارد. اگر ما علم را غلط معنا کردیم [هدایت به چالش کشیده می‌شود]. حضرت در روایت می‌فرماید: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»^۵. شایسته است که انسان از تلقی غلط از علم به خدا پناه ببرد.

متأسفانه نظام علمی جامعه ما پُر از علوم لاینفع است. این موضوع دارد اتفاق می‌افتد و وقتی دستگاه تحلیلی و علمی جامعه به چالش کشیده می‌شود؛ شما نباید انتظار داشته باشید که جامعه به سمت هدایت حرکت کند. مسئله علم، جزء زیرساخت‌هاست.

۲/۲. تلقی از امامت دومین تلقی از امامت و رهبری جامعه، جزء زیرساخت‌هاست؛ خیلی مهم است که چه کسی امام باشد؛ اینکه چه کسی در رأس زیرساخت هدایت

۴. فرانسویس بیکن دانشمند انگلیسی و پایه گذار نظام علمی موجود است که علم را از جایگاه اصلی آن به ابزاری برای تصرف در طبیعت برای رسیدن به اهداف اقتصادی تقلیل داده است.

۵. كُنْزُ الْكِرَامِيَّةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَرَوِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَجِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجُنَيْدِ عَنِ الْمُعَاوَاةِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ زُهَيْرِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جِبْرَةَ عَنْ أَبِيَانَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدْعُو فِي أَثَرِ الصَّلَاةِ قِيْلُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ

از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که ایشان می‌فرمودند: خدایا از علم بدون منفعت به تو پناه می‌برم.

مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی (۱۴۰۳ ق)، جلد ۴۵، ص ۳۱۷



جامعه امام است، می‌تواند تکلیف هدایت یا ضلالت یک جامعه را معلوم کند.

مسئله پیشگیری از جرم یا عبرت، یکی از زیرساخت‌هاست؛ ۲/۳. پیشگیری از جرم یا عبرت، سومین زیرساخت هدایت باشد، به سمت ضلالت حرکت خواهد کرد. متأسفانه در حال حاضر جامعه ما در بخش قضایی این حالت را دارد؛ یعنی تعداد پرونده‌های قضایی ما افزایش پیدا کرده است. چرا؟ چون قدرت پیشگیری از جرم وجود ندارد.

مسئله نفی سبیل، یکی از این مسائل است؛ هدایت در فضای تسلط کفار یک شکل دارد و در فضایی که اختیارات به دست مؤمنین است شکل دیگری دارد. ما باید برای مسئله نفی سبیل به عنوان زیرساخت هدایت یک حساب جداگانه در مباحثاتمان باز کنیم.

مسئله شاخص‌های ارزیابی جامعه، [یکی از زیرساخت‌هاست]. [یک جامعه را بر اساس چه چیزی ارزیابی می‌کنند؟ جامعه بدون ارزیابی، جامعه‌ای ایستا خواهد بود و نمی‌شود تحول را درون آن تعریف کرد. پس ما ناگزیر از ارزیابی هستیم. حالا ارزیابی بر اساس چه شاخص‌هایی باشد؟ باید نظام شاخص‌ها را از دین استنباط کنیم. من متأسفم که باید بگویم چهارده بعد از انقلاب اسلامی به دلیل غفلت حوزه‌های علمیه، در حال حاضر مبنای ارزیابی جامعه ایران برای فهم پیشرفته بودن، شاخصه‌های WDI است.



World Development Indicators، یک بسته

شاخصی است که بانک جهانی می‌دهد و در تمام نهادهای جمهوری اسلامی این شاخص‌ها مبنای ارزیابی است. دینی که نتواند نظام شاخص‌های ارزیابی را ارائه بدهد، نمی‌تواند تحولات را مدیریت کند. خب این یکی از غفلت‌هایی است که اتفاق افتاده است. عوامل دیگری نیز وجود دارد که از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنم.

مسئله تربیت و ترکیه، یکی از این زیرساخت‌هاست؛ ساختارهای جامعه باید قدرت توسعه تربیت بر اساس معارف دینی را داشته باشند. این هم در زمان فعلی به چالش کشیده است.

۲/۶. تربیت و ترکیه؛ ششمین

زیرساخت هدایت

ما این‌ها را در حد ۹ باب فقهی ارتقا داده‌ایم و مباحثاتشان را در قم پیگیری می‌کنیم؛ فقه‌البیان، فقه‌الفرقان یا فقه شاخص‌های ارزیابی، فقه نفی سبیل، فقه‌الامام یا معرفة‌الامام، فقه نظام یا فقه قانون و فقه‌العبرة یا فقه پیشگیری از جرم، نمونه‌ای از این ابواب فقهی هستند و در حال بحث از این‌ها هستیم.

پس با این توضیحاتی که در بخش دوم عرایضم عرض کردم؛ تفاوت تبلیغ و اقامه هم معلوم شد؛ اقامه به معنای توجه به زیرساخت‌های غیر بیانی هدایت است، یعنی اگر ما می‌خواهیم دین اقامه شود باید استظهار و استنباط کنیم که غیر از بیان و تبلیغ - به معنای انتقال اطلاعات - چه زیرساخت‌های دیگری



در مسئله هدایت مؤثر هستند. این، آن نکته‌ای بود که می‌خواستیم به عنوان مدخل بحث عرض کنیم. البته وقت خیلی کم است و ملاحظه بنده این است که رعایت حال آقایان شود، وگرنه گزارش این بخشی که عرض کردم دو یا سه روز جای بحث داشت.

حالا از همه این بحث‌هایی که عرض کردم رفع ید نموده و فرض می‌کنیم ما در حوزه علمیه تفاوت حوزه مبلّغ با حوزه اقامه‌کننده را تمییز داده‌ایم. البته تأکید من این است که چنین اتفاقی در حوزه نیفتاده است و درک حوزه علمیه ما این است که انقلاب اسلامی فرصتی برای تبلیغ بهتر دین است، یعنی همان درک قبلی خود را مبنا قرار داده است و می‌گوید در زمان طاغوت و پهلوی فقط منبر آیت‌الله فلسفی از رادیو پخش می‌شد و حالا صدا و سیمای جمهوری اسلامی در اختیار همه آقایان علماست. این‌ها می‌گویند از این باب که انقلاب اسلامی فرصت را برای تبلیغ مهیا کرده است؛ ما از نظام دفاع می‌کنیم، اینطور نگاه می‌کنند. در حالی که انقلاب اسلامی ظاهراً یک ظرفیت بالاتری را در اختیار ما قرار می‌دهد و آن اینکه ما از تبلیغ به معنای سنتی خود عبور کنیم. اگر در این بحث [که اکتفا به تبلیغ مؤثر نیست] مناقشه نشود و در مورد آن گفتگو صورت نگیرد، حوزه شکوفا نخواهد شد. حالا فرض کنیم ما اقامه را متفاوت از تبلیغ می‌دانیم. در اینصورت باید حوزه را به چالش بکشیم که چرا به تبلیغ اکتفا کرده است؟ یک استاد فاضل فقه

اصول را باید به چالش کشید که شما چه فرقی با یک استاد دوره قاجاریه - که در آن زمان فرصت پردازش زیرساخت‌های غیر بیانی نبود- دارید؟ این یک سؤال است و باید خیلی صریح راجع به آن وارد بحث شد. اینکه حوزه می‌گوید: ثلاثة لیس لها نهاية رسائل و مکاسب و کفایه؛ این بزرگترین تحجر اتفاق افتاده در حوزه علمیه است. بالاخره در یک دوره‌ای مرحوم شیخ انصاری یا مرحوم آخوند یک تکاملی را به دستگاه فقهی و اصولی ما دادند. اما اینکه یک کسی بگوید: این آخرین امکان تحول است؛ مشکل اصلی ما بر سر این است. اگر الآن خود مرحوم شیخ انصاری و مرحوم آخوند بودند حوزه را اینگونه که ما اداره می‌کنیم اداره نمی‌کردند. آن استادی که به نجف تشریف برده بودند برگشتند و به حوزه گزارش دادند و گفتند آیت‌الله سیستمی اعتراض کردند که چرا موضوع مباحثات و درس‌ها، موضوعاتی نیستند که در مجلس ایران مطرح می‌شوند و موضوعاتی هستند که قبلاً هم بوده است. حالا شاید در یک کشوری مثل عراق که حکومت به دست فقها نیست این مباحث لازم نباشد. به هر حال این اصل داستان و یک چالش جدی است. من در محضر اساتید خودم جسارت می‌کنم. ولی فرمود «قُلِ الْحَقُّ وَلَوْ كَانَ مُرًّا»^۶ اینکه استادی تمرکز ایجاد کند

۶. فِي حَبْرٍ آخَرَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: حق را بگو اگر چه که تلخ باشد.

مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی (۱۴۰۳ ق)، ج ۶۷، ص ۱۰۷.



که طلبه‌اش را روی این مبانی مسلط کند؛ خروجی‌اش چیزی بیشتر از تبلیغ نخواهد بود. لذا من عرض کرده‌ام که چند تا کتاب مانند شذرات المعارف داریم که معرفی کنیم تا طلبه فاضل آن را بخواند و تفاوت‌ها را متوجه شود و درک او از مسئله اقامه تفصیلی شود؟ بله در مقام بیان می‌گوییم که باید دین را اقامه کرد؛ اما در عمل فقط داریم دین را تبلیغ می‌کنیم، آن هم نه تبلیغی که در قرآن آمده است؛ «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ»^۷. من معتقد هستم تبلیغی که در حوزه‌های علمیه متکفل آن هستیم؛ قابلیت ارتقاء دارد. پس این نکته اول بحث بود و نکته مهمی است؛ منتها چون بنده می‌خواهم طرح مدرسه اقامه را توضیح بدهم مجبورم از این نکته عبور کنم.

۳. گفتگوها راجع به مدرسه اقامه؛ راه حل ورود حوزه به اقامه دین

اگر کسی قبول کرد که اقامه، امر و تبلیغ - به معنای فعلی‌اش - امر آخر یا جزء من الاقامة؛ اگر بخواید به این سمت حرکت کند، مقابل دو راه حل قرار می‌گیرد. راه حل اول این است که گفتگوها راجع به مدرسه اقامه - مدرسه‌ای که طلبه را با مهارت اقامه تربیت کند - را در همین حدی که الآن در حوزه بابرکت مشهد، حوزه بابرکت اصفهان و حوزه علمیه بابرکت قم

۷. الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يُخَسِّنُونَ وَلَا يَخْسُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا / سوره مبارکه احزاب آیه ۳۹

همانان که همواره رسالت‌های خدا را [به مردم] می‌رساندند و از او می‌ترسیدند و از هیچ‌کس جز او نمی‌ترسیدند؛ و خدا برای حسابرسی کافی است.

وجود دارد ننگه داریم، جلساتی که این گفتگوها به صورت محدود در آنها اتفاق می‌افتد کم نیستند. منتها اگر ما به یک طلبه فاضل گفتیم این گفتگوها باید یک ماه ادامه پیدا کند تقریباً همه می‌گویند ما وقتی برای این کار نداریم.^۸

شما این را با مباحثاتی که در حوزه اصول و فقه هست مقایسه کنید. وقتی یک استاد می‌خواهد سر کلاس برود حداقل ۲۰ تا شرح کنار دست خود دارد؛ یک متنِ مادر و ۲۰ متن کمکی است و همه را می‌بیند. خوب معلوم است که کلاسِ درس و ذهن شاگرد را بر اساس ذهنیتِ همان موضوعی که شرح تفصیلی راجع به آن وجود دارد مدیریت می‌کند. لذا بنده محضر استاد

۸. من عرض می‌کنم مادامی که جلساتِ راجع به این موضوعاتِ مهم نیم‌ساعته، یک‌ساعته و سه‌ربع و یک‌روزه باشد، مادامی که جلسات به این شکل است که یک متن مقدماتی داده نمی‌شود [فایده ندارد]. طرف مقابلِ شما طلبهٔ فاضلِ ملای حوزه است، استادی است که الآن رسائل را چند دور تدریس کرده است، مکاسب و لمعه را تدریس کرده است. وقتی چنین استادی به جلسه دعوت می‌شود، غیر از این است که یک فرد عادی را به جلسه دعوت کنید. لذا باید یک متن مقدماتی تحت عنوان پیشخوانِ جلسه تقدیم شود و آن پیشخوان قبلاً توسط آن استاد محترم مورد مطالعه قرار بگیرد. بعد نصف روز یا چند روز جلسه گذاشته شود و بحث شود و بعد هم چند دورهٔ دیگر تکرار شود تا بالاخره به این نتیجه برسیم که این دیدگاه راجع به اقامه دیدگاه درستی هست یا دیدگاه درستی نیست. بنده به سهم خودم پرهیز دارم از اینکه جلسات را به این نحوی که الآن برگزار کرده‌اید برگزار کنم؛ علت این هم که اجابت کردم و خدمت شما رسیدم، احترامی بود که به اساتید گذاشتم ولی با خودم عهد کردم که اینجا بیایم و از نحوهٔ برگزاری این جلسه گله کنم. البته نه فقط راجع به این جلسه فعلی، بلکه کلیتِ جلسات تحولی ما از درونش تئوری تحول بیرون نمی‌آید و کلیاتی گفته می‌شود.

انتقال از متن



محترمی که گزارش دادند جسارت نمی‌کنم، من هم مشتري عناوینی هستم که در جشنواره‌هایی مثل علامه حلی و اینها دائماً در کشور برگزار می‌شود؛ ولی وقتی عناوین را نگاه می‌کنم می‌بینم عناوینی نیستند که به پشتیبانی علمی مفهوم اقامه بیانجامند. بسیاری از آن‌ها دقت در

تراث گذشته‌گان است که مبتنی بر همین مبنای مورد نقد است. لذا اساساً گفتگوها و برنامه‌های پژوهشی و برنامه‌های پرورشی هیچکدام به غرض جا انداختن مفهوم اقامه شکل نگرفته‌اند.

لذا من چند روز پیش به حاج آقای اعرافی^۹ در جلسه‌ای که خدمتشان بودیم عرض کردم نقطه آغاز علاج تحول این است که با استاد و طلبه فاضل بنشینیم و راجع به اینکه چه می‌خواهیم صحبت تفصیلی کنیم. ولو اینکه مثلاً دو نفر در آن جلسه حضور داشته باشند، با آن دو نفر دو روز تفصیلی حرف بزنیم. مهره‌به‌مهره با مکتب و با تدریج و حوصله گفتگو کنیم. تحولی که راجع به آن گفتگوی تفصیلی اتفاق نیافتد در آینده به چالش کشیده می‌شود.

من باز محضرتان جسارت می‌کنم که می‌گویم -بنده را عفو بفرمایید، ما مهمان شما هستیم- به خاطر اینکه حوزه علمیه راجع به انقلاب امام خمینی علیه السلام گفتگوهای تفصیلی علمی نکرده و فقط از ایشان به عنوان یک فقه‌سپه تعظیم و تکریم

۹. آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کل کشور

کرده است؛ الآن انقلاب اسلامی با چالش‌های جدی روبرو شده است. ما هنوز نتوانسته‌ایم مسئله معیشت مردم را حل کنیم و مسئله کسب حلال در این جامعه به چالش کشیده شده است. آیا طلبه و فاضلِ ملائی می‌تواند بگوید مسئله کسب حلال، موضوع کار حوزه علمیه نیست؟ آن روایت مشهور و معروف و مجموعه‌ای از روایات دلیل اینکه اگر شما می‌خواهید عبادت را به صورت تام گسترش دهید؛ نُه بخش از آن، مسئله شغل و کسب حلال است. با اینکه همه ما مکاسب می‌خوانیم، ولی آیا مکاسب‌خواندن‌ها و گفتگوهای ما، تعریف کار و تعریف شغل را در وزارت کار و امور اجتماعی متأثر کرده است؟ تعریف کار را در مرکز آمار ایران متأثر کرده است؟ این جای اعتراض ندارد؟ آیا چهاردهه بعد از انقلاب اسلامی سازمان بین‌المللی کار باید تعریف شغل را در جمهوری اسلامی ارائه دهد؟ ما اختیارات نداشتیم؟ اختیارات داشتیم و فرصت هم در اختیارمان بود ولی گفتگوها راجع به موضوعات جامعه‌مان را نپذیرفتیم. من مثال مکاسب را می‌زنم. یکی از مهم‌ترین ابوابِ نُه بابِ فقه هدایت، همین فقه مکاسب و فقه شغل است که اصطلاحاً به آن فقه معیشت می‌گوییم. اگر ما در این چهاردهه گذشته فقط و فقط تعریف شغل را درست می‌کردیم، وضعیت هدایت خیلی بهتر بود. وقتی گفتگوها تفصیلی نمی‌شود [چنین اتفاقی می‌افتد]. حال اگر یک نفر به حوزه علمیه خراسان پیشنهاد داد که یک‌ماه به جای مکاسبِ محرّمه - که یک بخش از تعریف شغل است



و شغل‌های محرّم را بحث می‌کند- برویم به این سمت که نظام مشاغل جامعه اسلامی را موضوع بحث قرار دهیم، آیا این موضوع نباید مورد استقبال حوزه واقع شود؟ نباید برایش وقت اختصاص داده شود؟ این یک بحث جدی است و علی‌المبنای همین مباحثات موجود هم هست.

بنابراین ما به دلیل این محدودیت‌هایی که عرض کردم -یعنی محدودیت در گفتگو- یک پیشنهادی را مطرح کردیم تحت عنوان مدرسهٔ اقامه. متعمداً و عمداً نرفتیم برای مدرسه اقامه ساختمان بگیریم که در یک جایی تابلویی بالا برود و اسم آن مدرسه اقامه شود.

در این مدرسهٔ اقامه چکار کردیم؟ سه دسته مباحثات را به نحو تفصیلی (تفصیلی به معنای واقعی کلمه؛ البته من می‌فهمم تفصیلی‌تر از این هم ممکن است، ولی این بحثی را که در این سه دسته از مباحثات ارائه کرده‌ایم واقعاً تفصیلی است) مطرح کردیم و به نظر ما مرور این دسته مباحثات به تدریج کمک می‌کند تا فهم از اقامه در حوزه علمیه بالا برود و به اصطلاح امروزی؛ طلبه‌های ما قدرت نظام‌سازی و قدرت طراحی پیدا کنند و بتوانند برنامه‌ریزی کنند. درحالی‌که طلبه‌های ما در حال حاضر -حتماً به شما هم رجوع کرده‌اند- مکرراً سؤال‌شان این است که استاد محترم! ما برای جامعه‌مان باید چکار کنیم؟ این سؤال طلبه پایه اول نیست، من در درس خارج هم، طلبه‌هایی را می‌شناسم که سؤال‌شان این است. دلیل این موضوع آن است که

۳/۱. وجود سه دسته بحثی
حول مدرسهٔ اقامه

این مباحث محل بحث نیست. طلبه‌ای که پیچیدگی‌های کفایه را می‌فهمد حتماً طلبه با استعدادی است، طلبه‌ای که می‌تواند رسائل را تدریس کند حتماً طلبه با استعدادی است. ما این استعداد را به موضوع اقامه نبردیم تا هدایت کنیم. تمحض ایجاد نکردیم و لذا برای خودش و جامعه تحت مدیریت او سؤال ایجاد شده است.

حالا من عنوان این ۳ دسته مباحثات را محضر شما عرض می‌کنم. این عنوان باید شرح داده شوند. - من از استاد محترم و دوستانی که رابط ما برای این جلسه بودند خواهش کردم بعد از این جلسه یک جزوه‌ای را در اختیار آقایان قرار بدهند تا به هر حال یک مقدار تفصیلی تر هم به مسئله پرداخته شود. - اما این سه دسته گفتگو:

۱. شکل اقامه با شکل تبلیغ چه تفاوتی دارد؟ اگر ما خواستیم دین را اقامه کنیم، آیا با همین جلساتی که الآن تحت عنوان جلسات مذهبی تشکیل می‌شوند امکان دارد یا باید شکل برگزاری جلسات را تغییر داد؟ ما بر روی سه عدد شکل، استانداردهای استظهاری تعریف کرده‌ایم.

۳/۱/۱. ارائه مناسک گفتگو؛

اولین بسته بحثی مدرسه اقامه

الف) بر روی شکل گفتگو؛ اصطلاحاً ما یک شعاری داریم که می‌گوییم "گفتگو مناسک دارد". گفتگوها باید قاعده‌مند شوند که حالا بحث می‌کنیم.



ب) شکل مکتوبات؛ اینکه فرمودند «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ»؛^{۱۰} آیا این روایت دلالت بر این دارد که هر نوع کتابتی اشکال ندارد یا کتابت ویژگی‌هایی در آیات و روایات دارد؟ ما این ویژگی‌ها را بحث کرده‌ایم. یک کتاب خوب می‌تواند تأملات را تحریک کند، درست مثل یک نشست خوب که می‌تواند تأملات را تحریک کند.

ج) مهم‌تر از تضارب و کتابت، نمونه‌سازی است؛ در بسیاری از مواقع ما نباید در مقام هدایت جامعه، سخن گفتن را کار اول قرار بدهیم. کار اول را باید نمونه‌سازی قرار بدهیم؛ یعنی یک نمونه موفق را طراحی کرده و در اختیار قرار بدهیم. بعدها وقتی نخبگان

این نمونه موفق را نگاه می‌کنند به این سمت می‌روند که می‌گویند ما می‌خواهیم مثل آن را بسازیم. گاهی وقت‌ها یک اقدام، به اندازه چندین کتاب و چندین جلسه، اثر فکری می‌گذارد. ما اصطلاحاً قواعد نمونه‌سازی را از نگاه دین بحث کردیم. پس طلبه و دانش‌آموخته مدرسه اقامه، اولین مهارتش این است که: نشست قاعده‌مند برگزار می‌کند، قدرت کتابت قاعده‌مند بر اساس شاخص‌های دینی را دارد و قدرت نمونه‌سازی دارد.

۱۰. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ.

امام حسن علییه: علم را به وسیله کتابت قید بزنید.

مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی (۱۴۰۳ ق)، جلد ۵۸، ص ۱۲۴

شما این طلبه را مقایسه کنید با طلبه‌ای که الآن تربیت می‌کنیم که عمدتاً فقط قدرت تبلیغ دارد؛ آن هم تبلیغ سلیقه‌ای که همه ما به هر حال به تبلیغ همدیگر انتقاداتی داریم. کار به جای رسیده است که رهبری معظم به حوزه سفارش کرده است که یک مقدار مبلغ قلمی تربیت کنید.^{۱۱} ما در نوشته‌های تبلیغی مان خیلی دچار ضعف هستیم. مسئله نمونه‌سازی هم که اصلاً مغفول است. شما هیچ‌وقت بحث نمی‌کنید که یک طلبه چطور برود به محوریت یک مسجد محله بسازد، اصلاً این، موضوع بحث نیست. بسازد و مدیریت کند.

در حال حاضر وضعیت فعلی نیروهای نظامی در ایران، محصول پردازش رهبری انقلاب است. ایشان یک مدل امنیتی ساخته‌اند و روی زمین است و از بیرون که به آن نگاه می‌کنید می‌بینید که در مقابل دستگاه‌های جاسوسی و در مقابل سیستم‌های امنیتی دنیا مقاومت می‌کند. خب بعدها که این را می‌بینند می‌گویند یک طراحی خاص پشت آن بوده است، در غیراین صورت کارشناسان امنیتی در دنیا می‌دانند که دافوس یا

۱۱. پرهیز از دیوان سالاری های شبه دولتی، نشست و برخاست مدیران حوزه با طلبه ها، ایجاد فضای انس با قرآن، در میان طلاب، شناسایی استعدادهای برتر، ترویج مطالعه بویژه در زمینه سیر تاریخ علوم حوزه و تفسیر، تربیت مبلغ های قلمی، سخنور و مبلغ فضای مجازی از جمله نکاتی است که باید در حوزه های علمیه توجه ویژه ای به آنها شود.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه: ۱۳۹۵/۷/۱۱



تئوری‌های امنیتی چیست و وقتی می‌بینند بر مبنای دافوس^{۱۲} یا تئوری‌های امنیتی مثل امنیت شیشه‌ای یا سایر تئوری‌های امنیتی نیست و کارآیی دارد؛ حدس می‌زنند که پشت آن یک تئوری وجود دارد. خوب این تئوری‌ها را طلبه باید بداند. اگر طلبه را وسط یک روستا رها کردید باید بتواند آن را از صفر بسازد.^{۱۳}

لذا جریان ما به جای اینکه گفتگوها را روی محتوا ببرد در ابتدا روی شکل گفتگو یا شکل اقامه تمرکز کرده است؛ زیرا گفتگو به شکل غیربیبانی هم امکان دارد و لذا معنای عام آن را عرض کردیم. خوب این شکل گفتگوست.

۳/۱/۲. طرح موضوعات مهم جامعه؛ دومین بسته بحثی مدرسه اقامه

۲. موضوعات دیگری هم باید با جامعه مطرح شود که سطح دوم مدرسه اقامه است. ما صد موضوع را انتخاب کرده‌ایم؛ صد

۱۲. دانشگاه فرماندهی و ستاد که به اختصار دافوس خوانده می‌شود که به ارائه دوره‌های تخصصی آموزش علمی و نظامی می‌پردازد و برای اخذ درجه‌های بالاتر از سرهنگی و فوق لیسانس باید توسط نیروهای نظامی گذارنده شود.

۱۳. اجازه می‌دهید من یک گله دیگری بکنم، امیدوارم بنده را بعد از این جلسه تنبیه نکنید. من مکرر توفیق داشتم خطبه‌های ائمه جمعه را در جاهای مختلف کشور استماع کردم. هیچ تفاوتی با یک منبر نمی‌کند. آیا واقعاً بین خطبه نماز جمعه و یک منبر هیچ تفاوتی نیست؟ وقتی یک طلبه حوزه را تمام می‌کند نمی‌تواند یک مدل جدید ارائه دهد و حتی تفاوت‌ها را درک نمی‌کند. بعضی‌ها یک مقدار جلوتر رفتند و خطبه‌هایشان را پیاده و تبدیل به کتاب می‌کنند. آیا واقعاً خطبه‌های نماز جمعه، مسئله درس و بحث و تحقیق است؟ خطبه نماز جمعه، تعریف خاص خودش را دارد. مثلاً خطبه دوم؛ یعنی تأثیرگذاری بر مسائل جامعه. شما از فرصت خطبه دوم باید استفاده کنید و تحولات اجتماعی را مدیریت کنید. این‌ها موضوع گفتگو نیست و در نتیجه ما نمی‌توانیم نمونه بسازیم.

موضوع که در زمان و مکان فعلی، حوزه علمیه به آن‌ها پاسخی نداده است و می‌بایست در چهاردهه گذشته پاسخ می‌داده است. لذا به طلاب از روز دوم طلبگی می‌گوییم اگر توانستید به این مسائل پاسخ دهید طلاب موفق‌تری هستید. مثل همین تعریف شغل. حالا من یک روزه طولانی دارم و اگر یک وقتی جلسه‌ای بود وضعیت بازار کار ایران را برای شما تشریح می‌کنم که از قمار تا مشاغل ضد مسئولیت‌های خانوادگی در آن وجود دارد. یعنی مسئله مکاسب به وسیله تئوری‌های غربی به چالش کشیده شده است. وقتی شغل آن‌ها به چالش کشیده شده است، شما چه انتظاری دارید مردم دین‌دارتر شوند؟ این مسئله اصلی است. صد موضوع شبیه این مسئله وجود دارد که احصا شده‌اند و این‌ها همه قابلیت بحث دارند.

مثال دیگر: یکی از نظام موضوعاتی که ما باید به آن می‌پرداختیم و نپرداخته‌ایم، مدل قانون‌گذاری در کشور است. الان ما ۱۰۸ سال سابقه قانون‌گذاری در کشورمان داریم، البته قانون به معنای مدرن را عرض می‌کنم. قبلاً هم جامعه ما قانون داشته است اما نه به معنای مدرن آن. خب این ۱۰۸ سال قیام و قعود، به معنای ۱۰۸ سال وضع قانون بر جامعه ما بوده است که الان هم همه این‌ها حضور دارند. من به شما عرض می‌کنم که حتی شورای نگهبان چهاردهه بعد از انقلاب اسلامی نتوانسته بخش قابل توجهی از قوانین را از حیث احراز عدم



مخالفت قطعیه با قوانین شرع بسنجد. به این میزان قانون در کشورمان داریم.

آقایان حقوق‌دانان می‌گویند در ذات قانون، جبر خوابیده است. من عرض این است که قانون زیاد یعنی جبر زیاد. شما مردمانی را در جامعه‌ای تصور کنید که در بخش‌های مختلف دائماً قوانینی برایشان وضع شده است که اگر رعایت نکنند مجازات دارد، اعم از مجازات‌های حبس یا مجازات‌های مالی. خوب به لحاظ روحی و روانی خودشان را در یک تله‌ای از قوانین و مقررات می‌بینند و این، ریشهٔ ارتشاء و پارتی‌بازی در جامعه ماست. شما می‌گویید رشوه و پارتی‌بازی چرا بوجود می‌آید؟ به این دلیل که کثرت قانون، ضد اختیار است. در محیط خانوادگی که محیط رفق و محبت است به شما گفته‌اند از ده خطای همسران دو یا سه خطا را ذکر کنید. مصلحت بزرگتر این است که رابطه شما با همسران به چالش کشیده نشود. حالا اولین کاری که حکومت به معنای مدرن می‌کند این است که به اصطلاح رکیک سرمایه اجتماعی را به هم می‌زند؛ چون دائماً به مردم امر و نهی می‌کند.

حالا آیا معنای عرض بنده این است که جامعه نظم و قانون نمی‌خواهد؟ خیر؛ ما نیاز به یک مدل قانون‌گذاری داریم که اراده‌ها را به چالش نکشد و مردم را به لحاظ روحی و روانی به چالش نکشد. البته می‌توانیم همین مدل قانون‌گذاری را ادامه دهیم. ماه پیش که بنده خدمت آیت‌الله جنتی رسیدم موضوع

بحث همین بود که ما باید مفهوم نگهبانی از نظام را - که بخشی از آن، ارتقا مدل قانون‌گذاری است - تعویض کنیم. ولی خوب این مطلب، در حوزه علمیه موضوع بحث نیست و ما پذیرفته‌ایم و می‌گوییم همین مفهومی که از غرب آمده است را اجرا کنیم.

علاوه بر این قوانین به معنای مدرن، منشأ بی‌نظمی نیز هستند. چون قانون متکثر، قانون متضاد خواهد شد. مثلاً در یک دوره‌ای، یک مجموعه‌ای از نمایندگان قانونی را تصویب کردند و دوره بعد، هم شرایط و هم نمایندگان تغییر کرده‌اند و قانون دیگری تصویب شده است؛ ولی هر دو بر قانون بودن خود باقی هستند. لذا الآن ما با پدیده فسادهای مبتنی بر قانون روبرو هستیم. قانون‌دان‌ها می‌دانند در فلان سال کدام قانون تصویب شده است و بر روی این قانون اتکا می‌کنند. همین فیش‌های حقوقی نجومی، هم فساد بود و هم قانونی بود.^{۱۴} نکته فنی داستان این است که قانون بود. لذا حوزه علمیه می‌تواند راجع به قانون بحث نکند و بگوید امری عقلایی است و آن را رها کند. از طرف دیگر نیز می‌تواند راجع به مفهوم قانون صحبت کند.

قانون به معنای دینی، نگرش‌ساز و هدایت‌کننده است و چارچوب‌های تقویت هدایت را بحث می‌کند. قانون به معنای مدرن، کنترل‌کننده تک‌تک رفتارهای انسان است و این برخلاف اصل اختیار است. اگر شما توانستید نگاه انسان‌ها را عوض

۱۴. ماده ۵۰ بند ح برنامه پنجم توسعه امضاء کننده این حقوق‌ها است.



کنید انسان‌ها خودشان رفتارهایشان را تنظیم می‌کنند ولی اگر نتوانستید نگاه را تغییر دهید برای هر بخش باید قوانین و مقررات بدهید. حالا موضوعات در این حوزه زیاد است و من بیم این را دارم که مسئله قانون را هم به نحو وافی و شایسته توضیح نداده باشم. به هر حال در نقشه راه ما، صد مورد از این موضوعات هست و در دسترس است.

چرا بنده دارم این مسئله را مطرح می‌کنم؟ بنده خدمت آیت‌الله جنتی که رسیدم این مسئله را گزارش دادم ولی الآن چرا در اینجا مطرح می‌کنم؟ بنده می‌خواهم بگویم اگر این مدل قانون‌گذاری غلط است آیا حوزه، یک کتاب دارد که مدل قانون‌گذاری جدید را بحث کرده باشد؟ من مقداری جلوتر می‌روم؛ حوزه همایشی در مورد نقد قانون‌گذاری فعلی برگزار می‌کند؟ می‌خواستیم بگویم بیش از اینکه تکلیف آقایان باشد، تکلیف حوزه بما هو حوزه است. چون حوزه اگر پشتیبانی فکری و طراحی نکند اصلاً نوبت به عمل نمی‌رسد. این نکتهٔ بحث است. پس نظام موضوعات نیز سطح دوم مباحث مدرسه اقامه است.

۳. سطح سوم مباحث مدرسه اقامه، عبارت از این است که دستگاه فقاهتی که می‌تواند اقامه را تئوریزه کند-تئوریزه به معنای رسائل و مکاسب و تبیین قواعد- را با طلبه‌ها تفاهم می‌کنیم. همانطور که خدمتتان عرض کردم ما تبویب فقه موجود را عوض کرده‌ایم و معتقدیم نه باب فقهی وجود دارد که

۳/۱/۳. ارائه یک دستگاه
فقهتی برای تئوریزه کردن
اقامه؛ سطح سوم مباحث
مدرسه اقامه

اگر حوزه این‌ها را موضوع گفتگو قرار ندهد، هدایت به چالش کشیده می‌شود. مهم‌ترین باب فقهی از این‌ها باب، فقه‌البیان است. فقه‌البیان در واقع اصول ما هست و عمده مباحث آن نیز همین اصول است؛ یعنی چارچوب‌های استنباط جدید را بحث می‌کند.

من آخرین بار در حوزه علمیه اصفهان در نه جلسه تفاوت‌های آن را با دیدگاه‌های آخوند و نظریات معروف توضیح دادم. مثلاً یکی از این تفاوت‌ها این است که ما نپذیرفتیم زبان شارع، زبان امضایی است، نپذیرفتیم که مخاطب با عرف زمان مخاطب، محور استنباط‌ها قرار بگیرد. الان آقایان قواعدی را می‌گویند که این قواعد کمک می‌کند عرف زمان مخاطب، خوب تحلیل شود. این‌ها جاهایی است که ما بر آن‌ها دست گذاشته و اشکال کرده‌ایم. مقدمات حکمت را تغییر داده‌ایم، چند مورد دیگر از قواعد موضوعه را تغییر داده‌ایم و نه دسته قاعده بوجود آمده است که وقتی طلبه با این نه دسته قاعده به نقل رجوع می‌کند، به او کمک می‌کند که بتواند نظام‌سازی و اقامه کند.

لذا فقه‌البیان^{۱۵}، اصول فقه اقامه است؛ زیرا همان‌طور که بنده در جاهای دیگر عرض کردم ما معتقدیم که فقه، نجات‌بخش است و نمی‌شود منزلت فقه را نادیده گرفت. ولی تحول در فقه را

۱۵. فقه‌البیان دوره بحثی‌ای است که در آن قواعد استظهاری مخاطب شارع بحث شده است. این دوره سی و چهارمین دوره از دانشنامه صد جلدی الگوی پیشرفت اسلامی است.



نیز باید با همین ادبیات علمی‌ای که در حوزه هست بپذیریم. این دیگر شعار نیست که یک کسی بیاید و بگوید فقه باید تحول پیدا کند. حتماً باید گفتگو و بحث‌های فنی صورت بگیرد. این هم سطح سوم است. پس سطح سوم، قواعد تفقه اقامه را بحث می‌کند. این، سطح سوم مدرسهٔ اقامه است.^{۱۶}

۴. متفاوت بودن روش کار مدرسهٔ اقامه با مدارس موجود

حالا اگر خدای متعال توفیق داد، تصمیم ما این است که در حوزه‌های علمیه مهم کشور مدرسه اقامه را به صورت کوتاه‌مدت راه‌اندازی کنیم، نه به این معنا که به شکل موجود ساختمانی به ساختمان‌ها اضافه کنیم. باید با مدیران مدارس فعلی تفاهم کنیم که در سه یا چهار مناسبت اصلی در سال [مدرسه اقامه را برگزار کنیم]. مثلاً ما در محرم مدرسه اقامه را به اصفهان ببریم و با کتاب‌ها و اساتید و گفتگوهایی که داریم، طرح بحث کنیم. یا مثلاً مدرسه اقامه را در ماه رمضان به مشهد بیاوریم. البته عمده

۱۶. یکی از حاضرین: امضایی بودن زبان شارع به چه معناست؟

حجت‌الاسلام کشوری: به معنای همین عدم الردع که آقایان می‌گویند. ما این را به چالش کشیده‌ایم.

یکی از حاضرین: صوت مفهوم نیست.

حجت‌الاسلام کشوری: ما حاضریم این مطلب را سه یا چهار ساعت نیز توضیح دهیم، ولی الآن اگر وارد شویم حق مطلب ادا نمی‌شود؛ ولی خب یک دیدگاه جدیدی وجود دارد. مثلاً الآن همه آقایان ظاهراً قول مشهور را انتخاب کرده‌اند که زبان شارع، زبان امضاست و دلیل عمدهٔ امضا نیز عدم الردع شارع در مقام تخاطب با عرف است. ما این را به چالش کشیده‌ایم و به نظرمان می‌آید بیان مبتنی بر هدایت و بیان تغییردهندهٔ نظم اجتماعی، مبنای بیان اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. حالا در قواعد اصولی این مطلب را اثبات کرده‌ایم. مجموعه گفتگوهای ما در مورد فقه‌البیان در حال حاضر در دسترس است.

انتقال از متن

کارهای ما نیز در قم است. این کار یک تفاوت با روش‌های موجود دارد و آن این است که ما یک محتوای تفصیلی را در اختیار قرار می‌دهیم و در عوض یک روز بحث، یک ماه بحث می‌کنیم. در این صورت کار یک قدم جلو رفته است. بنده نکته‌ای به ذهنم می‌رسد؛ اگر مدیران برگزارکنندهٔ جلسات فقط و فقط کیفیت جلسات را ارتقا دهند، تفاوت بحث‌های کلی با بحث‌های کاربردی معلوم می‌شود. وقتی شما پنج نفر را می‌آورید و پنج نیم‌ساعت صحبت می‌کنند، خیلی قضاوت ایجاد نمی‌شود که تفاوت بحثی این پنج نفر چه بود. اما اگر فرصت‌ها را اضافه کنید و شکل نشست‌ها را عوض کنید احتمالاً تا آخر دو دیدگاه باقی می‌ماند و معلوم می‌شود که تبیین طرف مقابل در حد یک استکان آب بوده است و چون شما به اندازه یک استکان فرصت داده‌اید او هم بحث‌ها را مطرح کرده است. خواهش و استدعای من این است که گفتگوها را ارتقا دهیم. ما معمولاً وقتی به مشهد می‌آییم یک دهه در اینجا هستیم. گفتگوهای دو یا سه نفره و حجره‌ای صورت بگیرد. اگر اساتید معظم وقت گذاشتند مجموعه ما آمادگی دارد که این جلسات را برگزار کند، ان شاء الله.



پرسش و پاسخ

یکی از حاضرین: بخشید، در فضای مجازی مجموعهٔ جزواتی که مباحث در آن‌ها بحث شده باشد را منتشر کرده‌اید تا رجوع کنیم؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله در دسترس هست و ظاهراً آقایان تدبیری کرده بودند که آدرس‌های ارتباطی مجموعه در اختیار شما قرار بگیرد. ولی ما به گفتگو برای احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام دعوت شده‌ایم و در شبکه‌های اجتماعی گفتگوهای خیلی عمیقی اتفاق نخواهد افتاد.

یکی از حاضرین: اندیشه شما چقدر نزدیک به فرهنگستان علوم اسلامی قم است؟
حجت‌الاسلام کشوری: بله سؤال خیلی عجیبی است. به محضر شما عرض کنم بنده تقریباً یک دهه در فرهنگستان بودم، یعنی از اواخر عمر مرحوم آقای حسینی رحمته‌الله تا همین دهه ۸۰ و اواخر دهه ۸۰؛ ولی این بحث‌هایی که می‌گویم با نگاه فرهنگستانی نیست. من هیچ‌وقت در ذهنم نتوانستم حجیت فلسفه را بپذیرم، با اینکه متأسفانه دو دهه هم فلسفه را با گرایش‌های مختلف خواندم ولی برایم تمام نشد که فلسفه می‌تواند نیازها را برطرف کند. سؤال شما ما را یک مقدار از حالت تقیه خارج کرد. من فکر می‌کنم که فقه باید مبنا قرار بگیرد.

یکی از حاضرین: منظورم این است که چون رویکرد آن‌ها نیز کاربردی کردن مباحث است...

حجت‌الاسلام کشوری: خیر؛ رویکرد فرهنگستان، رویکرد فلسفی است.

یکی از حاضرین: بله فلسفی است اما به دنبال این هستند که ...

حجت‌الاسلام کشوری: البته من تفکیکی هم نیستم. (خنده حضار) اینجا حوزه مشهد است و بیان ما باید مشخص باشد.



یکی از حاضرین: می‌خواستیم شما را جذب کنیم. (خنده حضار)

حجت‌الاسلام کشوری: تولیدات مکتب تفکیک، متناسب با ادعایش نیست و این مهم‌ترین اشکالی است که بنده دارم. اگر واقعاً مکتب تفکیک قائل است به این که همه چیز در نقل و در وحی وجود دارد چرا تا الآن خروجی‌های مناسبی نداشته است؟ من در مباحثات دیپلمات نیستم، این سؤال، خیلی سؤال جدی‌ای است و باید پاسخ داده شود. بله من هم معتقد هستم که حجیت فلسفه تمام نیست. بنده یک دهه فلسفه فرهنگستان را خوانده‌ام و این اواخر که جمع‌بندی کردم درس می‌دادم.

یکی از حاضرین: یعنی چه حجیت آن تمام نیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: به معنای اینکه مبتنی بر اشراف اطلاعاتی نیست که اشراف اطلاعاتی، پایه وحی است. تحلیل‌ها، تحلیل‌هایی است که با تحلیل‌های عقل اول از عالم فاصله دارد. حالا این‌ها بحث‌های طولانی است. به همین خاطر عرض کردم سؤال عجیبی است؛ چون یا باید به این بحث پاسخ نمی‌دادم یا باید با تلخی از تقیه خروج می‌کردم. این‌ها باید بعداً مطرح شود. حالا که بحث کردم صریح‌تر بگویم: نه فلسفه صدرایی، نه مکتب تفکیک و نه فقه به معنای موجود هیچکدام قدرت نظام‌سازی اجتماعی ندارند. آن چیزی که در بطن خودش قدرت دارد و می‌تواند نظام‌سازی را پیش ببرد فقه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است به شرطی که بعضی از قواعد در آن ارتقا پیدا کند. می‌شود از همین کلمات استنباط‌هایی انجام داد و حوزه مشاغل، حوزه قوانین، حوزه نفی سبیل را مدیریت کرد.

یک نکته را عرض بکنم؛ من مصلحت هم نمی‌دانم وارد نزاع‌های آنچنانی با مکتب تفکیک و فلسفه و این‌ها شویم. من فقط عرض می‌کنم؛ دوستان پاسخ دهند قائل به نظام‌سازی اجتماعی هستند یا خیر؟ اگر قائل هستند علی‌المبنای خودشان نظام‌سازی را توضیح دهند. جلسه‌ای که خدمت حضرت آیت‌الله مصباح رسیده بودم، موضوع بحث



همین بود. حالا ان‌شاءالله قدری زمان جلو برود این جلسه منتشر خواهد شد. این سؤال، یک سؤال جدی است؛ اگر ما پذیرفتیم اسلام حکومت دارد، باید بتوانیم در مباحثاتمان نظم اجتماعی را تئوریزه کنیم. اگر نظم اجتماعی را تئوریزه نکردیم و به دیگران واگذار کردیم، چرا از ادعای اولیه دفاع کنیم که اسلام حکومت دارد؟

این آقایایی که در حوزه علمیه قم استاد است حرف‌های عجیبی می‌زند. نمی‌داند صحبت‌های‌شان را دنبال می‌کنید یا خیر؟ ایشان می‌گویند؛ اسلام اقتصاد هم ندارد و اقتصادش عقلایی است و با صراحت هم می‌گوید که منظور از اقتصاد عقلایی، همین اقتصاد بازار آزاد است. من به ایشان یک مطلب و پیغام فرستادم که یک کتاب راجع به اقتصاد بازار آزاد بخوانید تا ببینید حداقل صد مفهوم ضد دین در آن پیدا می‌کنید. چطور به اسم بنای عقلا این‌ها را امضاء می‌کنید؟ این اتفاقات در حوزه رخ می‌دهد.

هرکسی با هر مبنایی که معتقد است، به عرصه نظام‌سازی بیاید. حال نمی‌خواهم بحث‌ها را جدی‌تر و چالشی‌تر کنم. بعضی از آقایان می‌گویند فلسفه صدرایی متکلف این امر نیست، از آقایان اعظام حوزه فلسفه این را می‌گویند. پس ما نظام‌سازی را کجا ببریم؟ رهایش کنیم و به دست بنای عقلا بدهیم؟ این استاد یک جمله دیگری دارد که می‌گوید اسلام حکومت هم ندارد و حکومتش هم عقلایی است. این اتفاق دارد می‌افتد. من با این استاد صحبت کردم و نهایت حرف ایشان این بود که امام، فقیه و من هم فقیه. من مشکلی ندارم و به هر حال استنباط و اجتهاد امری جبری و تحمیلی نیست.

می‌خواهم بگویم ریشه این حرف‌ها به همین مبانی موجود بازمی‌گردد. اگر ما راجع به این‌ها گفتگو نکنیم؛ دیر نخواهد بود و کمتر از دو دهه آینده تقریباً جمع‌بندی غالب این خواهد شد که ما نباید حکومت را با نگاه دینی اداره کنیم، کما اینکه الان نیز گفتگوهای آن در حال اتفاق افتادن است.

یکی از حاضرین: این بحث شما با تمدن‌سازی چه ارتباطی دارد؟



حجت الاسلام کشوری: تمدن‌سازی نتیجه این نظریات خواهد بود؛ یعنی شما وقتی نظریه حجیت‌یافتهٔ دینی که قدرت نظام‌سازی داشته باشد را مطرح کنید؛ می‌توانید عینیتِ مدنیتِ خودتان را مدیریت کنید و به سمت یک تمدن جدید هدایت کنید. من در مورد لوازم این حرف‌ها صحبت می‌کنم. لذا به ذهنم آمد که امروز به جای اینکه خیلی محتوایی و تفصیلی بحث کنیم؛ پیشنهاد یک ساختار گفتگوی جدید برای حوزه علمیه مشهد را محضر شما مطرح کنم. این گفتگو بسیار ضرورت دارد.

من مکتب تفکیک را یک ظرفیت می‌دانم، فلسفه صدرایی را هم یک ظرفیت می‌دانم؛ البته نه اینکه نظریه مختار من این‌هاست. به این معنا که این‌ها را جزء مؤمن‌هایی می‌دانم که هرکدام به نسبت به در خانه اهل بیت علیهم‌السلام رجوع کرده‌اند و یک کسی سهمش بیشتر بوده و یک نفر سهمش کمتر بوده و استفاده کرده است. ما باید مکتب تفکیک و فلسفه صدرایی را در مقابل سؤالات فنی قرار بدهیم. یکی از آن سؤالات فنی، مسئله نظام‌سازی است؛ یا باید از این حرف که نظام‌سازی بر عهده دین است رفع ید کنیم -مانند این استاد حوزه علمیه قم- یا اگر رفع ید نمی‌کنیم فلسفه صدرایی باید دقیقاً توضیح دهد که بر اساس اصالت وجود یا قواعدی که دارد چطور می‌خواهد نظام‌سازی کند. من با خودم فکر می‌کنم که اگر این مبانی قدرت این را داشتند در چهاردهه گذشته این اتفاق افتاده بود. ولی خوب ممکن است نظریه ما نظریه صائبی نباشد. این جمع‌بندی بنده است و متأسفانه بنده دو دهه هم [روی فلسفه] وقت گذاشته‌ام. ممکن است شما به من بگویید باید سه دهه وقت می‌گذاشتید، ممکن است درست باشد؛ منتها من فکر نمی‌کنم چیزی از عمرم مانده باشد تا یک دهه دیگر نیز وقت بگذارم.

یکی از حاضرین: پس شما فلسفه خوانده‌اید؟



حجت‌الاسلام کشوری: بله متأسفانه. من حس کردم کل جلسه را به یک طرح سؤال اختصاص داده‌ام. من فقط یک سؤال پرسیدم؛ حوزه می‌خواهد اقامه کند یا خیر؟ همه حرف من همین بود.

یکی از حاضرین: اتفاقاً ما می‌خواهیم بگوییم فتح باب شد ولی در ادامه چه کار می‌خواهید بکنید؟

حجت‌الاسلام کشوری: خیلی خوب. من تأکید بکنم که به اینجا نیامدم تا علیه جریان خاصی موضع‌گیری کنم؛ آمده‌ام به نحو صریح یک سؤال را مطرح کنم. اگر شما بگویید تبلیغ فعلی کفایت می‌کند؛ تمام حرف بنده باطل است. اما اگر با مجموعه ادله و معرفتی که در قلب و ذهن آقایان هست می‌گویید حوزه مکلف به اقامه است من سؤال می‌پرسم که آیا در مورد اقامه گفتگو کنیم یا خیر؟ این سؤال بنده است.

یکی از حاضرین: و آیا مفهوم اقامه، همین مفهوم فعلی است یا نه؟

حجت‌الاسلام کشوری: و آیا اقامه به‌نه زیرساخت هدایت وابسته است یا خیر؟ طرح سؤال یک مقدار نیاز به صراحت دارد وگرنه ممکن است الآن شهادت و شفاعتِ آقا قطعی باشد و بنده گیر باشم. ولی این ربطی ندارد به اینکه بخواهیم تعارف کنیم. جامعه اسلامی به دلیل این نحوهٔ مدیریت حوزه‌های علمیه به چالش کشیده شده است، من چنین چیزی را می‌فهمم. ما باید تکلیف‌مان را معلوم کنیم؛ اگر حکومت حق اسلام است درس‌ها و بحث‌ها را عوض کنیم و پشتیبانی فکر کنیم.

یکی از حاضرین: بنده چون دیر رسیدم اگر ممکن است ریشه این‌نه باب را توضیح دهید.

حجت‌الاسلام کشوری: فقه‌البیان بود دیگر.

یکی از حاضرین: سؤال ایشان این است که چرا ۹ تا و چرا ۱۰ تا نه؟



حجت الاسلام کشوری: من خودم در گفتگوهای جدید، دارم به باب دهم فکر می‌کنم. استظهاری و تبّعی است؛ چون اصل در فقاہت، تتبع است. شما یک قواعدی دارید و با آن قواعد سراغ ظهور روایات می‌روید. اختلاف اصلی ما این است که قواعد استظهار را با قواعدی که مرحوم آخوند در استظهار پیشنهاد می‌کند متفاوت می‌دانیم. اگر سلامت این قواعد احراز شد؛ فکر می‌کنم به چنین نتیجه مشابهی می‌رسیم.

یکی از حاضرین: استاد! در بحث استظهار که می‌فرمایید تفاوت داریم یک مثال جزئی می‌زنید. مثلاً یک نمونه بفرمایید که مرحوم آخوند اینطور بحث کرده است و شما این نقد را دارید.

حجت الاسلام کشوری: مثلاً بر سر زبان شارع اختلاف داریم؛ آن‌ها می‌گویند زبان شارع امضایی است و ما می‌گوییم انحلال است، به شرحی که در بحث‌های اصولی مطرح کردیم.

حالا اگر اجازه بدهید جلسه دیگری باشد و خدمت آقایان برسیم. بسیار مسرور شدم و جلسه مغتنمی بود. ان شاء الله خدای متعال شفاعت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را نصیب همه ما بگرداند. صلواتی عنایت بفرمایید.

نظام سوالات

- ۱- آیا حوزه می‌تواند به تبلیغ موجود اکتفا کند و نیازی به اقامهٔ دین ندارد؟
- ۲- چرا در بحث اقامهٔ دین نظامات اجتماعی تاثیر بسیار بیشتری نسبت به بیان دارند؟
- ۳- نظامات اجتماعی چه تاثیری بر امر تربیت دارند؟
- ۴- چند دسته عامل بنا بر مبنای الگوی پیشرفت اسلامی بر امر هدایت موثر اند؟
- ۵- تلقی از علم به عنوان یکی از زیر ساخت‌های هدایت چه تاثیری بر هدایت دارد؟
- ۶- تلقی از امامت به عنوان یکی از زیر ساخت‌های هدایت چه تاثیری بر هدایت دارد؟
- ۷- پیشگیری از جرم به عنوان یکی از زیر ساخت‌های هدایت چه تاثیری بر هدایت دارد؟
- ۸- نفی سبیل به عنوان یکی از زیر ساخت‌های هدایت چه تاثیری بر هدایت دارد؟
- ۹- شاخص‌های ارزیابی به عنوان یکی از زیر ساخت‌های هدایت چه تاثیری بر هدایت دارد؟
- ۱۰- تربیت و تزکیه به عنوان یکی از زیر ساخت‌های هدایت چه تاثیری بر هدایت دارد؟
- ۱۱- راه حل ورود حوزه به مسئلهٔ اقامهٔ دین چیست؟
- ۱۲- چند دستهٔ بحثی حول مدرسهٔ اقامه صورت می‌گیرد؟

نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات دیگران	نظام اصطلاحات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
قانون گذاری جبری- اقتصاد بازار آزاد- اصالت وجود- مکتب تفکیک- فلسفه صدرایی- دافوس- امنیت شیشه‌ای-	فقه البیان- مدرسه اقامه- زیر ساخت‌های هدایت- زیرساخت تلقی از علم- زیرساخت نفی سبیل- زیرساخت شاخصه‌های ارزیابی- زیرساخت تلقی از امامت- زیرساخت پیشگیری از جرم- زیرساخت تربیت و تزکیه

منابع

قرآن کریم

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت:

انتشارات دار إحياء التراث العربي (۱۴۰۳ ق)

کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ ق)، کافی، تهران: انتشارات دار الکتب الحدیث (۱۴۲۹ ق)

محمد علی شاه آبادی، شذرات المعارف، چاپ ۱۳۸۰

برنامه پنجم شش ساله توسعه کشور

فهرست تفصیلی

۱. لزوم توجه حوزه به تکلیف اقامه دین در کنار تبلیغ دین به وسیله بیان..... ۱
- ۱/۱. وابسته بودن اقامه دین به مسائلی غیر از تبیین..... ۲
- ۱/۲. لزوم تحول برنامه‌های حوزه در راستای اتمام نسبت خود با اقامه دین..... ۲
- ۱/۳. لزوم عدم اکتفا به تبلیغ؛ نظریه مختار الگوی پیشرفت اسلامی..... ۳
- ۱/۴. نقش نظامات اجتماعی در تربیت؛ علت بیان روایت در شباهت افراد به امراء بیشتر از آباء.. ۴
۲. احصاء عوامل نه‌گانه موثر بر تربیت به عنوان زیرساخت‌های هدایت در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۵
- ۲/۱. تلقی از علم؛ یکی از زیر ساخت‌های نه‌گانه هدایت..... ۶
- ۲/۲. تلقی از امامت دومین زیرساخت هدایت..... ۶
- ۲/۳. پیشگیری از جرم یا عبرت، سومین زیرساخت هدایت..... ۷
- ۲/۴. نفی سیل؛ چهارمین زیرساخت هدایت..... ۷
- ۲/۵. شاخص‌های ارزیابی؛ پنجمین زیرساخت هدایت..... ۷
- ۲/۶. تربیت و ترکیه؛ ششمین زیرساخت هدایت..... ۸
۳. گفتگوها راجع به مدرسه اقامه؛ راه حل ورود حوزه به اقامه دین..... ۱۱
- ۳/۱. وجود سه دسته بحثی حول مدرسه اقامه..... ۱۵
- ۳/۱/۱. ارائه مناسب گفتگو؛ اولین بسته بحثی مدرسه اقامه..... ۱۶
- ۳/۱/۲. طرح موضوعات مهم جامعه؛ دومین بسته بحثی مدرسه اقامه..... ۱۹
- ۳/۱/۳. ارائه یک دستگاه فقهتی برای تئوریزه کردن اقامه؛ سطح سوم مباحث مدرسه اقامه.... ۲۳
۴. متفاوت بودن روش کار مدرسه اقامه با مدارس موجود..... ۲۵

بخشی از متن

در مدرسه اقامه چکار کردیم؟ سه دسته مباحثات را به نحو تفصیلی مطرح کردیم و به نظر ما مرور این دسته مباحثات به تدریج کمک می‌کند تا فهم از اقامه در حوزه علمیه بالا برود و به اصطلاح امروزی؛ طلبه‌های ما قدرت نظام‌سازی و قدرت طراحی پیدا کنند و بتوانند برنامه‌ریزی کنند.

راه‌های ارتباط با الگوی پیشرفت اسلامی

رایانامه: olgou@chmail.ir

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه: www.nro-di.blog.ir